داکتر سیدخلیل الله هاشمیان ۲۰۱۷/۰۲/۱۸

پیرامون موجودیت وفعالیت سیدجمال الدین درعهدسلطنت امیرمحمداعظم خان واخراج او بفرمان امیرشیرعلیخان درنوامبر1868 بخش دوم

دربخش اول این مبحث که بتاریخ 7 فروری درین پورتال نشر شده،ازطریق اسنادجاسوسهای انگلیس مستشعرشدیم که سفیروهیات انگلیس درکابل موجودیت سیدجمال الدین رادرمشاورت امیرمحمداعظم خان تحمل نتوانسته وامیرچوکی طلب را بالای سیدجمال مشکوک ونامهربان ساخته بودند که درنتیجهٔ آن با ورود امیرشیرعلیخان باردوم بسلطنت کابل (8 سپتامبر 1868) ومخالفت شدید سردارمحمدرفیق خان وزیردربارشیرعلیخان که طرفدار دوستی باانگلیس ومخالف شدید سیدجمال بود، امیرشیرعلیخان امراخراج سیدجمال را ازطریق قندهار وهرات به ایران صادرمیکند وهیات انگلیس درکابل فرمان اخراج سید را ازطریق قندهار(12 نوامبر 1686) ثبت کرده است که ما درمباحثات این بحث همین تاریخ را معتبر می شماریم.
ناگفته نماند که دربخش اول یک اشتباه توسط مترجم رخ داده که زیرعنوان فرعی (یادداشتهای مترجم) درصفحهٔ 4، موجودیت و فعالیتهای سیاسی سیدجمال درکابل سنه (82-1871) ذکرشده واین درست نیست – این سنه ایست که دولت هندبرتانوی راپورهای جاسوسان خوددرکابل رااز وفات امیر دوست محمدخان تا سال 1872 دراسنادرسمی دولتی ثبت کرده اند.
بتوجه اهل خبره میرسانم که تاریخهادرآثاری که بنام سیدجمال الدین افغانی توسط افغانها و وایرانیها نشر شده، چندان قابل اعتبارنیست، چنانچه مرحوم صدقی در اثرخود ورودسیدجمال رابه افغانستان در1861م(1277هج) ثبت نموده است. سعی من درین بخش اینست که تاریخهای حقیقی ورودسیدجمال به افغانستان، مدت اقامت او درشهرهای مختلف بشمول کابل وتاریخ وطریق خروج اوازکابل بفرمان امیر شیرعلیخان درست تشخیص شودتا مورخین ومحققین افغان، خصوصاهموطن محترم آقایان داکتراحسان لمر که تحقیق عالی شان قبلا درین پورتال نشرشده،و هم جناب آقای نعیم بارزکه مقالهٔ شان قبلا نشر شده بود، گزارشات خودراباسنادیکه درین بخش تقدیم میشود، مقایسه نمایند. یقین دارم ازین مقایسه نتایج مفیدی برای تاریخ افغانستان به ارتباط واقعات دورهٔاقامت وفعالیتهای سیاسی سیدجمال در افغانستان فراهم خواهدشد.
محققین افغان خبردارند که آقای ایرج افشارخدمت مهمی انجام داده که تمام اسنادسیدجمال را دراثری درسال 1342 شمسی درایران تحت عنوان "مجموعهٔ اسناد ومدارک چاپ نشده دربارهٔ سیدجمال الدین" چاپ کرده است، اماازیک جانب این اسنادازنظروقوع زمانی تاریخ وارومسلسل نیست،خصوصا تاریخهای ورود واقامت وخروج سیدجمال ازافغانستان از 1283هجری تا1285 هجری وتصاویرمربوط به آنها بسیارپراگنده ثبت شده که درحدود5% تصاویررا تشکیل میدهد، وبایدصدها تاریخ وتصویررامرورکرد تا این قسمت رامشخص ومرتب بتوان ساخت، زیرا95% متباقی تصاویروتاریخ هامربوط بواقعات ایران ومسافرتهای سیدجمال به مصر،اروپا وترکیه میباشد که موردنیاز ومطرح بحث این تحقیق نیست.

من ازسایرتصاویرشامل مجموعهٔایرج افشار،هجده تصویرراکه هرکدام بخط سیدجمال نوشته شده وتاریخ هم دارد، مجزاساختم وآنهارادرهفت صفحه تاریخ وار سرش کرده ام- این تصاویرسیروحرکت واقامت سیدجمال راازسال 1282 تا 1285 درایران وشهرهای مختلف افغانستان نشان میدهد. کتاب ایرج افشاردربارهٔاین تصاویر،غیرازآنچه درمتن آنهانوشته شده، تفصیل اضافی ندارد. شرح وتفصیل هرتصویربه اعداد لاتین ازینقراراست:
I - تصویر 8 ازصفحهٔ 9 مجموعهٔ اسناد: خروج از مکان مشرف، شهرجمادی الثانی 1282 : (غیرازهمین نوشته درین تصویر، تفصیل دیگری درکتاب ایرج افشارنیست تا بدانیم که این مکان مشرف کجا بوده است).
II – تصویر 8 از صفحهٔ 9 مجموعهٔ اسناد: دخول در ط هه ر(طهران) اواخرشهررجب المرجب، وخروج شهرمحرم الحرام 1283،منزل قرب مسجدجامع– توقف درام القری 5یوم درماه رجب 1283- (فاصله بین رجب ومحرم پنجماه است، گویامسافرت سیدجمال بافغانستان بعداز این تاریخ شروع شده است).

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

III - تصویر 8 از صفحۀ 9 مجموعۀ اسناد: ورود در طوس شهرصفرالمظفر،خروج شهرجمادی الاول 1283– منزل درخانۀ ملاحسین خیابان بالا : (از ماه صفرتاجمادی الاول، اقامت سه ونیم ماه).
IV – تصویر 8 از صفحۀ 9 مجموعۀ اسناد: وروددربلدۀهرات اواخرجمادی الاول – توقف 40 روز– منزل در سرای نوربیگ – : (ایرج افشاردرصفحۀ 9، سطر9 کتاب خودتاریخ این تصویر را1283 نوشته است).
V – تصویری ازصفحۀ5 مجموعۀاسناد: مطلبی که سید "فی بلدۀهرات فی شهرجمادی الاول 1283 نوشته است :" ورشتۀ تعلقات گسست تاآنکه نعمت.... عالم ظلمانی رسید ومتابعت نبی(ص) ویاران اورا اختیارکردم.... خلاص حافظ ازین زلف تابدارمباد +++ که بستگان کمند تو رستگارانند. "
VI – تصویر6 ازصفحۀ 8 مجموعۀاسناد: "درقندهار، دربازارشکارپور، درسرای حیتن هندو، درشهر رجب نوشته شد درجواب ملاعبدالاحدپسرقاضی غلام، سنه 1283 ": (سیددرجمادی الاول درهرات بوده واینک دررجب بقندهاررسیده، گویامدت دوماه درهرات بوده است).
VII – تصویر 18 ازصفحۀ 14 مجموعۀاسناد: نوشته ای بزبان عربی که بقول ایرج افشاردرصفحۀ14، رساله ایست درعرفان، تالیف خودسید وبخط او، و در آن:"کتبه عبدالله جمال الدین الحسینی الاستانبولی (بعدروی این کلمه بخط قرمزاضافه شده "الکابلی" و بعد "الافغانی" - فی بلدۀ قندهار یوم الاحد2 شهرذی الحجته الحرام 1283 ". (سید در قندهار، از رجب تا ذی الحجه، تقریبا مدت ششماه بوده- ذی الحجه ماه اخیر سال 1283 است).
VIII – تصویر 8 ازصفحۀ 9 مجموعۀاسناد: "توقف درقندهار 8 ماه، ازماه شعبان تاربیع الاول 1284 – منزل دربازارهرات": (اینکه سید ازذی الحجه 1283 تا ربیع الاول 1284،مدت سه ماه بکجا بوده معلوم نیست.امادرروایات خاندان ما ازچندزبان شنیده شده که سیدجمال درینوقت به باجورنزدمرحوم سیدقاسم پاچا(ابن سیدهاشم پاچا)که عموزاده ودوست ورفیق ایام طفولیت وجوانی سیدصفدرپاچا بوده، رفته وسیدقاسم پاچاکه بمثابۀ کاکای سید جمال بوده اوراتشویق کرده ووادارساخته تابه نماینده گی ازاو و پدرش سیدصفدر، نزدسردارمحمداعظم خان برودوهمه اسنادوقباله های ملکیت سید هاشم وسیدصفدررادرکنرارائه کند که سیدمحمود پاچا(برادرزادۀسیدهاشم پاچا) ملکیت وجایدادعم خودسیدهاشم پاچا وسیدصفدرپاچارا قبض و ضبط کرده، از آنجائیکه خانم سیدمحمودپاچا، بی بی مریم جان دختروزیرمحمداکبرخان بود، که برادرزادۀ سکۀ امیرشیرعلیخان میشد، واو (سیدمحمودپاچا) بحمایت انگلیس زعامت سیاسی کنررا ازکاکای خود سید هاشم پاچا قبض کرده، وامیرشیرعلیخان عرایض سیدهاشم وسیدقاسم رانشنیده، حتی زمین وجایداد موروثی سیدقاسم و سیدصفدردرقبض سیدمحمودپاچا مانده است. سیدقاسم که ازامیرشیرعلیخان مایوس شده بود(بعدازوفات پدرش سیدهاشم پاچا) سید جمال را که بعدازسالهاغیبت درخارج بخانۀ پدری خود درباجورآمده بود، تشویق کرد که خودراباجناح این دو برادر(افضل واعظم) ملحق سازد که هرگاه این دو برادربه سلطنت برسند، موضوع زعامت کنر وهم ملکیت های شان یکطرفه خواهد شد. قراررروایات درخاندان ما، سردارمحمداعظم خان ازبلاغت وسواد وجرات سیدجمال در قندهارخوشش آمد، واورا در قندهاربحیث منشی خودمقررکرده بود. من بطور بسیارمختصراین رویدادرادرینجابارتباط غیبت سه ماهۀ سیدجمال درقندهار نوشتم، تفصیل مزیدبا اسناد دربخش سوم وچهارم ارائه خواهد شد.
قابل تذکرمیداندکه هیات انگلیس درمادۀ 254 راپورخود(این راپور دربخش اول نشرشده) گزارش داده بودکه سیدجمال "ازهرات بقندهارآمده ودرآنجادرسال 1866 باامیرمحمداعظم خان ملاقات کرده ویک تعداداسنادسِری راکه باخودآورده بودبه امیرداده بود ..." بنظرمن همین اسناد وقباله های ملکیت سیدهاشم وسید صفدر را انگلیس ها "اوراق سری " راپور داده اند. سیدجمال اقامت 8 ماهۀ خود را درقندهار در سال 1284 هجری نوشته ، اما متعادل ساختن سنه هجری 1284 باسنۀمیلادی کارمشکل است که من ازعهدۀآن برآمده نتوانستم، زیراماه های هجری ثابت نی، بلکه متحرک است ومتعادل ساختن آن فورمولی دارد که من نمیدانم، پس معلوم نیست که آیا 1284هجری با 1866میلادی مطابقت میکند یاخیر؟
ازجانب دیگربازارهرات درشهرقندهاریک محل معتبرومصئون بوده که 8 ماه اقامت درآنجا برای سیدجمال ازلحاظ اقتصادی مشکل میبوده، مگر اینکه ازکدام مدرکی کمک میشده- دیگر اینکه سردارمحمداعظم خان درسال 1284 امیر نی بلکه یک شهزاده بوده که بابرادرخود شیرعلیخان درجنگ ونزاع قرارداشته وقندهارمرکزمهم تمرکزدوبرادرسکه (افضل خان واعظم خان) بود که ازینجابمقابل سلطۀامیرشیرعلیحان درکابل اخلال وکارشکنی میکردند. بنابرآن اقامت 8 ماه سیدجمال درقندهارکه برای تقویت دوبرادر (افضل واعظم) کارمیکرد ه ، معقولیت

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

پیدامیکند، وبه اساس همین همکاری وخدمتگزاری سید با سردارمحمداعظم خان بوده که وقتی امیر شیرعلیخان بکابل رسید، امراخراج اورا صادرنمود.
IX - تصویر 8 ازصفحهٔ 9 مجموعهٔ اسناد : " ورود در شهر کابل در یوم جمعه 25 شهرجمادی الاخر 1284." (تفاوت زمانی ازماه ربیع الاول تا جمادی الاخر 1284 مدت سه ماه است، و معلوم نیست که سیدجمال درین مدت سه ماه کجا بوده است؟ بازهم امکان دارد که سید این مدت را نزد سیدقاسم پاچا در باجور رفته باشد).
X - تصویر 7 ازصفحهٔ 8 مجموعهٔ اسناد : مسودهٔ مکتوبی از بالاحصار کابل به امیرمحمداعظم خان در بارهٔ رهایی یکنفر ازعلما که درحبس امیر بوده – " ... فی لیلته الاحد فی الکابل فی البالاحصارالامیرمحمداعظم خان." – متن دری این مسوده که سه سطر اول آن عربی است، خوانا میباشد، اما تاریخ ندارد. به اساس تاریخ های بالا، درسال 1284 نوشته شده است.
XI - تصویر 3 از صفحهٔ 5 مجموعهٔ اسناد : مسودهٔ مکتوب گله آمیزی که سید جمال به امیرمحمد اعظم خان نوشته واینکه مدتیست او را بحضور نپذیرفته شکایت کرده است : " زمان حرمان از فیض حضور طول کشید... بکابل فی جمادی الاخر فی 1284."" : (درتصویر IX خواندیم که ورود سید به شهر کابل 25 شهر جمادی الاخر 1284 بوده، و این شکایت درمدت پنج روزاخیرجمادی الاخر 1284 نوشته شده که سید در بالاحصار کابل اقامت داشته و ازآنجا تقاضای رهایی یک محبوس را کرده بود).
X11 – تصویر 9 ازصفحهٔ 10 مجموعهٔ اسناد: شرحی ازاحوال سیدجمال بقلم خودش : " فی یوم الجمعه فی 13 شهر رجب 1285- از بالاحصار کابل " : (تفاوت زمانی بین شکایت نامهٔ سید که ازکابل نوشته وآنرا در تصویر XI دیدیم، وتاریخ این سند که از بالاحصارنوشته شده – ازجمادی الاخر 1284 تا رجب 1285، اقامت او درکابل چندروز بیشتر از یکسال میباشد). متن این رقیمه، تصویر9 از صفحهٔ 10، که یک نمونهٔ نثر مسجع میباشد ازینقراراست : "معلوم فلان بهتر ازجان بوده باشد که طائفهٔ انگریزیه مجوسم میدانند، سنی رافضی و شیعه ناصبی، بعضی ازاخبار چهار بار به وهابیم گمان کرده اند، وبرخی از ابرارامامیه بابیم پنداشته اند، الیهان دهری ومتقیانِ فاسقِ ازتقوی بری، عالمان جاهلِ نادان ، و مومنان فاجر بی ایمان انگاشته اند، نه کافرم بخود میخواند ونه مسلم ازخود میداند، ازمسجد مطرود و ازدهر مردود، حیران شده ام که بکدام آویزم وبا کدام به مجادله برخیزم، از رد یکی اثبات دیگر لازم و ازاثبات احدی اعتقاد واخبار برضد آن جازم، نه راه فرارکه که از دست این طایفه گریزم ونه جای قرار که با آن فرقه ستیزم، وبه شهر کابل در بالاحصار دست بسته و پای شکسته نشسته تا از پردهٔ غیب چه برآید و از گردشِ فلکِ دون پرور چه زاید. فی یوم الجمعه فی 13 شهر رجب ، سنه 1285 ."
مجوس : آفتاب پرست، آتش پرست، گبر - - ناصبی: فرقه ای که دشمن امیرالمومنین حضرت علی(کرم الله) بودند - - بابی : پیرو آئین سیدعلی محمدشیرازی که خود را"باب الله" میخواند وطریقت اورا (بابیه) گویند. آقای حسن تقی زاده درصفحهٔ 234 کتاب مرتضی مدرسی میگوید:" سیدجمال الدین به زندگی اعتنایی نداشت ومال جمع نمیکرد، اویک مسلمان مترقی وتجدد طلب ونسبت به اسلام بسیار پرشور بود – مقالهٔ اوکه در "دایرت المعارف پطرس بستانی" راجع به مذهب "بابیه" نوشته ، دلیل آنست که او احساسا ت خوبی نسبت به آن مذهب نداشته..." پروفیسر(کیدی - Nikki R. Keddie) درکتاب خود بعنوان (An Islamic Response to Imperialsim) که درکلفورنیا در1982 چاپ شده، درصفحهٔ 11 میگوید که :" عقیده مبنی برفعالیت سیاسی واصلاح وبهبود امورزندگی "بابی ها" که ازعراق آغازشده بود ودرجهان اسلام خواستارتجدید نظر ونرم ساختن احکام فقه بود، سیدجمال افکار این طریقت رامیدانسته و دربیانیهٔ معروف او در استانبول در سنه 1870 منعکس شده بود..." پروفیسر (کیدی) تحقیق جامعی در 220 صفحه عمدتا پیرامون مبارزهٔ سیدجمال بمقابل امپیریالیزم انجام داده، اما اسناد ومعلومات اودر بارهٔ هویت سیدجمال کاملا متکی برآثارواسناد ایرانی است، وما نواقص برخی از نتیجه گیری های اورا درسطور آینده مطرح ومرورخواهیم کرد.
XIII – تصویر 88 از صفحهٔ 32 مجموعهٔ اسناد : فرمان امیرمحمداعظم خان بعنوان سیدجمال که تاریخ ندارد، ولی آقای ایرج افشار تصدیق کرده که در عقب فرمان مهر امیرمحمداعظم خان دیده میشود- عنوان فرمان : " محب صادق و دوست موافقا ! (سایز این فرمان نسبت به آنچه درمجموعهٔ اسناد نشر شده، درینجا 20 % کوچک شده است). این فرمان اگرچه به کلمات مودبانه نوشته شده، معنی آن اینست که {اگر میخواهی باشی، باش، واگر میخواهی بروی، برو}. ناگفته نماند که درین ایام وضع سیاسی ونظامی امیرمحمداعظم خان هم چندان استوارنبوده، زیرا برادرش شیرعلیخان درحال پیشرفت بطرف کابل بوده است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

XIV – تصویر 89 از صفحهٔ 32 مجموعهٔ اسناد : فرمان دوم امیرمحمداعظم خان که مهرامیرمذکور درعقب آن تصدیق شده، و بسیار مودبانه اجازهٔ ترک کابل را بقرار درخواست سیدجمال از راه پشاور با این کلمات منظور کرده است :"...واگرچنانچه اذن مرخصی داده شود، هرآئینه من باب اضطراری وناچاری خواهد بود – زیاده چه نگارد فقط."

کلمات "اضطراری وناچاری" درسطراخیر این فرمان بیانگر فشارحمله وجنگ امیرشیرعلیخان است برکابل که سیدجمال میخواسته کابل را از راه پشاورترک کند، اما چنین بنظرمیرسد که حملهٔ ناگهانی بالای کابل، راه کابل – جلال آباد رامسدود ساخته وبا سقوط کابل بدست امیر شیرعلیخان، سیدجمال درکابل بند مانده است. هکذا چنین بنظرمیرسد که دلیل اخراج جبری سید ازراه قندهار وهرات به ایران، عدم موافقهٔ هیات انگلیس بوده که دخول سیدجمال را به هندوستان مضر می پنداشته اند.

XV – تصویر 10 از صفحهٔ 10 مجموعهٔ اسناد – : درشهر کابل در بالاحصار در شهر رجب 1285 نوشته شد – الغریب فی البلدان، جمال الدین الحسینی الاستنبولی – والطرید عن الاوطان." این مسوده نیز درهمان ماه رجب دربالا حصارنوشته شده، ولی اقای ایرج افشار در صفحهٔ 10 ازقول سیدجمال میگوید که : " دریوم جمعه در 12 شهر رجب 1285 درمنزل سردار ذوالفقارخان درنهایت پریشانی خاطروافسردگی دل درشهر کابل نوشته شد، تاچه پیش آید."

متن این سند که نثرمسجع است، ازینقراراست: "آه از دل پرخون، آه از بخت واژگون ، آه ازدست مردم دون، نه علاج دل توانم نه علاج بخت وارون، نه علاج خویش توانم نه علاج مردم دون، چکنم و راز دل با که بگویم وراه نجات خود از که بجویم، مرگ کو تا زین بلا برهاندم، مرگ میشد بزم وترکستان من، چه کنم از دست دل ازتقاضاهای دل پشتم شکست، برسرم جانا بیا میمال دست، چه چاره باخداوند :

دل ا ی زتو ویران دکان و منزلم +++ چون ننالم چون بیفشاری دلم ؟

زاهد ظاهر پرست ازحال ما آگاه نیست +++ هرچه گوید در حق ما جای هیچ اکراه نیست ."

XVI - تصویر 8 ازصفحهٔ 9 مجموعهٔ اسناد : :منزل در بالاحصار ، خروج از کابل در 20 شهر رجب المرجب 1285.

XVII - تصویر8 از صفحهٔ 9 مجموعهٔ اسناد: خروج از قندهار در 20 شهر شعبان المعظم 1285 – (ازرجب تا شعبان، سید جمال مدت یکماه در قندهار بوده است).

XVIII – تصویر 6 از صفحهٔ 6 مجموعهٔ اسناد : "جواب نامهٔ دوست مهربان سیدهاشمی ؟ ازمشهدمقدس نوشته شد." اگرچه این تصویر تاریخ ندارد، اما نمودار خروج سالم سیدجمال از هرات به مشهد میباشد.

قابل تذکرمیداند که به ارتباط اولین بازگشت سیدجمال به افغانستان ، بعدازآنکه قبلا با پدرخود از باجور به ایران رفته بود، ازمجموعهٔ اسناد داکترایراج افشارمن تنها 18 سند و تصویر فوق الذکر را یافتم وکاپی کردم، اما اسناد ذیل نیز مربوط بهمین بازگشت سیددرفهرست کتاب دیده میشوند، ولی تصاویر آنها در آرشیف من وجود ندارد:

1) ازصفحهٔ 23 و24 فهرست :"صورت چهار فقرهٔ خطبه در توحید وصفا ت الهی در بلدهٔ قندهاردرشهرشعبان 1283".

2)ازصفحهٔ 25 فهرست : اشعار عربی :" النظم للجمال الدین الحسینی، نظمه فی بلده قندهار و قسمت دیگر در شهر قزنی ، فی شهر جمادی الاول 1284".

3) از صفحهٔ 26 فهرست : جملات پند واندرز مانند :"ناتوان را دریاب و...، درشهر قزنی، جمادی الاول 1284 ".

4) ازصفحهٔ 46 فهرست : "جمال الدین الحسینی الاستانبولی ، جمال ا لحسینی ، فی بلده قزنی" تاریخ ندارد.

5) از صفحهٔ 66 فهرست : غزلی از طرزی.

6) از صفحهٔ 68 تا 75 فهرست : " رسالهٔ طبی، درکابل در بالاحصار، شهر جمادی الثانی 1285".

7) از صفحهٔ 78 فهرست : " در اصطلاحات اوزان کابل، جمادی الثانی 1285".

8) ازصفحهٔ 80 فهرست : عبارتی "من التحفته النصایح" و نقل دوبیت فارسی، بعدا اسماء عده ای از مردم قندهار: ملاعبدالحق حرفه – ملامحمدصدیق (تلمیذ)، قاضی غلام – ملاعبدالاحد - صوفی بردرانی - ، ملا خواجه محمد (تلمیذ)، ملا محمدرحیم اسحاق زایی تلمیذ صوفی – ملا عبدالرحیم پسرملاحبو – ملاعبدالحق طل – ملا محمدی – قاضی عبدالرحمن خان ملا- قاضی سعدالدین و پسرایشان – قاضی عبدالسلام برادر قاضی عبدالرحمن.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

9) ازصفحۀ 81 فهرست : دوبیت ترکی با معنی آن بفارسی، بعدا اسامی چند تن از مردم فاضل کابل : ملانصرالله فوت شد- ملا مشکی عالم درموشکی – ملا چولی درهرعلم ماهر – ملا اسکندر ماهر درعلم عربیه وحدیث. بعدا اسامی چندتن ازمردم فاضل هرات : ملامحمود – ملا عبدالله قاضی اناردره - ملا عبدالفتاح – ملامحمدعمر – ملا ابوالحسن قاینی .
10) از صفحۀ 96 فهرست : شکرانیه و افکارفلسفی مورخ 13 رجب 1285 – وازآن معلوم میشود که آنرا هشت روز قبل از خروج از کابل نوشته است.
ازآنجائیکه این اولین بازگشت سیدجمال به افغانستان میباشد، بعدازینکه بسن 17یا 18 سالگی همرای پدرخود از باجور به همدان- ایران رفته بود، وپروفیسر(کیدی) هم درصفحۀ 7کتاب خودمیگوید که: " سالهای 68-1866 بقرارتحقیقات حکومت هندبرتانوی اولین سفرسیدجمال به افغانستان بوده ..." سیدکه از سال 1283 تا 1285 مدت دوسال درشهر های مختلف افغانستان اقامت کرده ،لازم است تمام اسناد ومدارک این اقامت و فعالیت های او مطالعه وبررسی شود. بادرنظرداشت سنۀ تولد سیدجمال درسال 1254هجری، موصوف حین ورود به هرات وقندهار درسال 1283 هجری، بسن وسال 29 سالگی قرارداشته، اما ریوتچیهای انگلیس درکابل اورا 35 ساله تصورکرده بودند. به اساس روایات ایرانیها ، وقتیکه سیدجمال درمعیت پدرش سیدصفدرپاچا باراول به همدان – ایران آمده بودجوانی درحدود 17-18 ساله بوده وپروفیسر(کیدی) نیز درصفحۀ 11کتاب خود سن سید را ازقول منابع ایرانی "دربوشهر درسالهای 1855-1856میلادی در حدود 18-17 ساله" تصدیق کرده است، که به این حساب سنۀ تولد سید در 1254 هجری برابر با 1839 میلادی میشود، واین محاسبه باتفاوت یکی دوسال درست بنظرمیرسد . این فورمول که هرگاه عدد 621 را به سال هجری اضافه کنیم، سنۀ میلادی بدست می آید، درمورد سنۀ تولد سیدجمال کارنمیدهد، زیرا: 1254 + 621 = 1875م میشود، درحالیکه سنۀ تولد سیدجمال با سال 9-1838 میلادی مطابقت میکند.

موضوع دوم که اهمیت تاریخی دارد، اقامت هشت ماهۀ سیدجمال درقندهاردردربارشهزاده سردارمحمداعظم خان است که هیات انگلیس نیزاین توقف را درراپورخود درسال 1866 گزارش داده واضافه کرده که سید اسناد مهم وسری را به محمداعظم خان سپرده بود- اشتباه رپوتچی انگلیس این بوده که سردارمحمداعظم خان را درقندهار امیرخوانده، در حالیکه درین سال برادرش امیر محمدافضل خان درکابل پادشاه بود ومحمداعظم خان بحیث والی وحاکم نظامی قندهار مقرربود. پروفیسر (کیدی) نیردرصفحۀ 15 کتاب خود از قول منابع برتانوی میگوید که :"سید درسال 1966 وارد قندهارشده وبه صحبت های محرمانه با محمداعظم خان که حاکم نظامی قندهار بود، مصروف گردید، سپس با اوبکابل آمد، درست هنگامیکه سرداربه تخت امارت کابل نشست..."
بخش اول کتاب پروفیسر (کیدی) شامل 35 صفحه، اگرچه درتمام کتاب خود سیدجمال را(افغانی) خوانده است، مملواز نفوذ آثاروافکارمنابع ایرانی، بشمول میرزالطف لله خواهرزادۀ ایرانی سیدجمال میباشد وهدف دشمنانۀ ایرانیها این بوده تا هویت افغانی سیدجمال را ایرانی ومتولد همدان – ایران ثابت کنند، لهذا معلومات غلط وساختگی را به پروفیسر کیدی که شخصا بدیدارمیرزا لطف الله به ایران رفته بود، قرارداده بودند - ازآنجمله افغانها به مطلب ذیل از کتاب پروفیسر (کیدی) توجه فرمایند :

" درمو رد دورۀ طفولیت افغانی هیچ سندی غیرازادعای خودش که دورۀ طفولیتش درافغانستان گذشته، وجودندارد، درحالیکه بهنگام حضورش درافغانستان درسال 1866 به اکسنت ولهجۀ فارسی ایرانی سخن میگفته وازین معلوم میشود که اودرایران تولد وتربیه شده است..."(صفحۀ 7)- درحالیکه اززبان هیچ افغان شنیده نشده که سیددرافغانستان به لهجۀ فارسی ایرانی سخن میگفته، این دروغ را انگلیسها ساخته بودند- ثبوت این دروغ دراقامت هشت ماهۀ سید دربازارهرات قندهارواقامت یکساله اش درکابل ظاهرمیشود- سید درقندهار نه تنها بحیث منشی سردارمحمداعظم خان کارمیکرد، بلکه بامساجد ومراکزعلمی ومذهبی قندهاردرتماس بوده که نام یکعده علماء وملاهای قندهاردربالا گزارش یافته وطبعا باآنها بزبان پشتو صحبت میکرده، زیرامباحث علمی، فقهی ومذهبی با علما وملاهای قندهاربزبان فارسی، آنهم درمدت هشت ماه، دوام یافته نمیتوانست. "چهارفقره خطبه درتوحید" و رساله ای بعنوان "من التحفته النصایح" درمدت توقف درقندهاردرآثار سیدجمال درج میباشد. روایات خاندانی ما ازینقراراست که سید درعمارت خرقۀ مبارک یک خطابه داده که تمام سرداران وعلما وملاهای قندهار موجود بوده

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

ورسالۀ ای هم نوشته و آنرا به متولی خرقۀ مبارکه داده است. مرحوم سیدجعفرپاچا (پدرکلان هاشمیان)، حکمران شبرغان درسلطنت امیرعبدالرحمن خان، در بازگشت اززیارت حج، چندهفته دراستانبول بدیدن عموزادۀ خود مرحوم سیدجمال پاچا رفته بود– این د و(سیدجعفر وسیدجمال) قبلا دردورۀ طفولیت وصباوت درباجورنیزیکجا زندگی میکردند. اززبان پدروکاکاهایم شنیده ام که سیدجعفر سیدجمال را (لالا) میگفت وبه پشتو صحبت میکردند. من این داستان راحدود ده سال قبل درمعرفی یک کتاب نوشته بودم ودرمجلۀ آئینه افغانستان نیزنشرشده بود- عموزادۀ دیگر سیدجمال، مرحوم سید حسین پاچا (پدرمرحوم جنرال سیدحسن خان شیون ومرحوم سیدعباسخان سابق والی میمنه) نیزدربازگشت ازحج ازسیدجمال پاچا دراستانبول دیدن کرده واو هم گفته بود که با سیدجمال به پشتو صحبت میکرده است. یک دلیل که سیدجمال مورداعتماد سردار وبعدا امیرمحمداعظم خان قرارگرفته بود، همانا صحبت بزبان پشتوبود وبهمین دلیل سید ازکشته شدن دردربارامیرشیرعلیخان نجات یافت، زیرامیربعدازصحبت با او بزبان پشتو، مطمئن شد که اوافغان اصیل از سادات کنرمیباشد. من درین مورد دربخشهای آینده به تفصیل واسناد صحبت خواهم کرد.

سیددرمدت اقامت درکابل سه رساله نوشته : "رسالۀ طبی درکابل" – "رساله ای در اوزان کابل" – "رسالۀ شکرانیه و افکار فلسفی"– نام این رساله ها دریادداشتها واسناد اوبقلم خودش ثبت شده، اما خودرساله ها غایب اند. باآن وضعی که سیدازکابل اخراج گردید، تصورنمیرود که پندک کاغذ را با خود حمل کرده باشد. آن رساله هاراحتما بکسی داده یا نزد دوستان خودمانده باشد، یا شاید توسط کسانی به آرشیف ملی سپرده شده باشد- اکنون که عنوان رساله ها معلوم شده، حکومت کابل باید برای پیداکردن آنها اقدام مقتضی درنظربگیرد.

مثال دیگرتلخیصی ازصفحات 14-15 کتاب پروفیسر (کیدی) که مبتنی برروایا ت میرزا لطف الله میباشد : "روایت لطف الله که افغانی تحصیلات عالی خودرا درعراق تکمیل کرده... و بعدازمسافرتها به هندوستان ومکه درسال 1963 به افغانستان رفته تا بهنگام محاصرۀ هرات درخدمت امیردوست محمدخان با شد.سید درجنگهای داخلی بعدازوفات امیر بیکی از شهزاده گان بنام محمداعظم مشوره میداد واصلاحات وریفوم را دراموردولت سفارش میکرد. اما حضورسید بدربار امیردوست محمدخان بعدا ازدومرجع، مجموعۀ اسنا دایرج افشاردرایران وتحقیقات واسناد دولت برتانیه، رد وتکذیب شده است..."

توجه بفرمائید: درصورتیکه سیدجمال درسال 1863 بخدمت امیردوست محمدخان به هرات رفته باشد، گویا او 24 ساله بوده (تولد سید 1839 میلادی)، درحالیکه موجودیت سیدجمال راانگلیسها درقندهاردرسال 1866 رسما تائیدو سن اورا درحدود 35 ساله تخمین کرده بودند، وما درمحاسبات بالا ثابت کردیم که سید درسنه 1866م درحدود 29 ساله بوده، درحالیکه از سن 18 سالگی ببعد بخارج ازافغانستان درکشورهای دیگرسپری نموده وبعداز تقریبا 11 سال ماجراها درخارج ، باراول در 1866 بوطن آبایی خود برگشته است. 170 صفحۀ متباقی کتاب پروفیسر (کیدی) تحقیق بسیارجامع وخواندنی و آموختنی است در بارۀ مبارزات سیدجمال بمقابل استعمار غرب وخصوصا انگلیس، واندرزها وتنبیهات اوست به جهان اسلام برای اتحاد اسلام وبیدارشدن مسلمین ونابودساختن استعمارانگیس در هند، مصر وافغانستان. ازکتاب پروفیسر(کیدی) با یکتعداد دانشمندان درجهان غرب آشنا میشویم که هرکدام دربارۀ افکار ومبارزات پیگیر سیدجمال تحقیقی کرده ورساله ای نوشته است – درحالیکه دربارۀ این فرزند نامدارافغانستان تازمان ورود تابوت او بکابل هیچ اثروتحقیقی وجودنداشت، وبخاطرانتقال تابوت سید، اولین اثری که توسط حکومت دربارۀ اودروطنش طبع شد ، ترجمه (تمتت البیان...) ازعربی به دری توسط مرحوم محمدامین خان خوگیانی بود. من فهرست نامهای یکتعداد دانشمندان غربی را ازکتاب پروفیسر کیدی درینجا برای استفادۀ محققین افغان نقل میکنم:

Prof.Elie Kedourie, Univ. London - Homa Pakdamn, Univ. Paris- Dr.Amin Banani & Dr.Moshe Perlmann, Univ. California – Prof. G.E.Von Grunbaum, UCLA- Hamid Algar & Ira Lapidus, Univ. Berkly -Benjamin Schwartz, Univ. Harvard- Aziz Ahmad, Univ. Toranto- Mushar Mahdi, Univ. Chicago- Prof. H. A. R. Gibb & Bernard Lewis,Univ. London- Albert Houran Univ. Oxford- Niazi Berkes, Univ. Montreal- Joseph R. Levenson & William Brinnner, Univ. Berkeley- Maxime Rodinson, Univ. Paris- Andereas Tietz & Janos Eckman, Univ. Cairo- Shannon Stack & Gene Garthwaite & Kathleen Jasonides, Univ. California-

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکي په ځیر و لولـئ

A.M.Goichon, Univ.Paris - E.G. Browne , Univ. Cambridge– Wilfred Cantwell, Univ. Princeton- Rashid Rida, Univ. Cairo.

ازفهرست بالا چهارنفر ازفرانسه، مصر وامریکا رسالۀ دکتورای خودرا بالای سیر زنده گی، افکارواعمال سیدجمال نوشته اند – پروفیسر (کیدی) هکذا از آثار دانشمندان ذیل استفاده کره است: ایرج افشار – عبدالحسین زرینکوب – اصغر مهدوی– عبدالحسین زرینکوب – سیدحسن تقی زاده – محیط طباطبایی (تباه تبایی؟) – مجتبی مینوی – میرزا لطف الله وپسرش صفت الله جمالی. ناگفته نماند که درکشورهای مصر، هندوستان، ترکیه، عراق وجرمنی نیز صدها تحقیق وکتاب بنام (سیدجمال الدین افغانی) نشر شدهٍ ولی وطن خودش ازین درک بسیار فقیرمانده است. وقت آن رسیده که یک موسسۀ علمی وتحقیقاتی درکابل بنام سیدجمال الدین تاسیس شود و ازهمه آثاری که دربارۀ سیدجمال درکشور های مختلف نشرشده، یک جلد درین موسسه ذخیره شود وبا استفاده ازین آثار خارجی، آثارجدیدی بزبان های دری و پشتو تهیه وتکثیرگردد. خداکند حکومت افغانستان چند نفرافغان را برای تحصیل دورۀ دکتورا به امریکا و مصر بفرستد تا ازعالم آثاروإسنادی که موجود است برای شناخت اسلام و شناخت سیدجمال ومساعی او برای زایل ساختن تعصب و جهالت ازاسلام استفاده کنند. همه پوهنتونهای معروف دراروپا، امریکا ، مصر وایران سیدجمال را شناخته وبرای معرفی او ومبارزۀ مفیدش بمردم دنیا خدای پجات خدمت کرده اند، به استثنای وطن وهموطنان خودش – بایست از آقایان احسان لمر ونعیم بارزکه درعالم مهاجرت ازفرانسه خاطرۀ سیدجمال را زنده ساختند وسال گذشته هرکدام تحقیقی بالای سیدجمال بدست نشر سپردند، تقدیر وتشکرکنیم.

مرتضی مدرسی چهاردهی نیز درصفحۀ 249 کتاب 530 صفحه ای خودعین داستان رفتن سیدجمال رابدربارامیردوست محمدخان بیان کرده وچند سطراخیر داستان اوبارتباط خروج سید از راه هند جالب است :"...محمداعظم خان به نیشاپوروعبدالرحمن خان به بخارا پناهنده شدند، جمال الدین همچنین بکابل ماند وبه واسطۀ سیادتش موردانتقام امیرشیرعلی نشد، ولی اندکی بعد اجازه گرفته ازراه هندعازم حجاز شد." - سیدحسن تقی زاده نیز در صفحۀ 220 میگوید: " دراجازۀ مسافرت مکه به اوشرط شده بود که از ایران عبور نکند(برای جلوگیری ازملاقات او با محمداعظم خان)، مشارالیه درسنه 1285 از راه هند عازم حج شد." – درحالیکه اخراج سیدجمال ازطریق قندهار وهرات ورسیدن او به مشهد برویت اسناد معلوم است، چرا ایرانیها خروج اورا به غلط از راه هند ثبت کرده اند، درحالیکه انگلیس حضور اورادرهندوستان تحمل نداشت ؟ ایرانیها ازرفتن سیدجمال به امریکا وتقاضای اقامت وتابعیت در آنجا نیزداستانی در صفحۀ 224 نوشته اند درحالیکه سید هیچگاه به امریکا نرفته، که اگر میرفت درآثاری که درامریکا در بارۀ او نوشته شده، درج میبود. عادت بسیارخوب سیدجمال همانا یادداشت کردن تاریخ های سیر وسفر واقامت او درکشورهای مختلف است، اگر او بدربارامیردوست محمد خان یا به امریکا رفته میبود، حسب العادت چیزهایی در آنباره یادداشت میکرد ودر اسنادش باقی میماند.

داستان رفتن سیدجمال بخدمت امیردوست محمدخان درسنه 1863 بقلم 8 نویسندۀ ایرانی دراثرضخیم مرتضی مدرسی کورکورانه تقلید شده و منشاء ومنبع اصلی آن میرزالطف الله خواهرزادۀ سیدجمال است که درکتابش مامای ناسکۀ خودرا متولد وتربیه شده درهمدان- ایران معرفی کرده واکثرنویسنده گان ایران مدعیات اورا کورکورانه پذیرفته اند- اما چند تن ایرانی ازواقعیت چشم پوشی نتوانسته، مثلا یک دانشمند ایرانی درصفحۀ 232 کتاب مرتضی مدرسی میگوید: "سید درتحریرعربی بسیار زبردست بود وواقعا نوشته های اوخطب صدراسلام رابخاطرمی آورد، درفارسی چه درنوشتن وچه درحرف زدن، لهجه و شیوۀعربی، شاید افغانی داشته، وخصوصا نوشتن فارسی او نزدیک است انسان را درایرانی گری او به شبهه بیندارد- کاغذی از سید بزبان فارسی خطاب به ناصرالدین شاه و کاغذ دیگراو خطاب (به یکی از دوستان) شاهد ادعای ماست. این دوکاغذ در(کتاب بیداری ایرانیان) نشر شده است." بموجب نوشتۀ دیگری در صفحۀ 229 این کتاب "اوراق سید درمجلس شورای ملی ایران محفوظ است."

سیدجمال که خود را(سادات کنر) معرفی کرده درست است، اما اودرحیات خود (کنر) راندیده، زیرا بعدازجنگ شدید سپاه انگلیس در پشت – کنر، سیدهاشم پاچا با سیدصفدر وپسرش (که طفل کوچک بود) به باجوررفتند و سیدصفدر بعد از حدود 17 سال اقامت درباجور باردوم به همدان- ایران رفت وپسر 17 سالۀ خود سیدجمال را نیزباخود برد و بار اول که سیدجمال درسنه 1866م (1283هجری) بقندهار آمد، امیر دوست محمدخان قبلا وفات یافته بود. آما سیدمحمودپاچا که عموزادۀ سیدصفدر و برادرزادۀ سید هاشم پاچا بود وباحمایت انگلیس در17 سال گذشته زعیم

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

سیاسی وحکمران کنر بود، همین سیدمحمودپاچا درهرات با امیر دوست محمدخان بود و امیر درهمانجا نواسهٔ خود دختر وزیرمحمداکبرخان را به او نامزدکرده بود. تفصیل این موضوع با اسناد در بخش های آینده تقدیم خواهد شد.
آقای سیدحسن تقی زاده درمقالهٔ دوم خود(صص 47-246)میگوید:" درموطن اصلی ومولد سیدجمال الدین چنانکه معلوم است، ازچندی به اینطرف اختلافاتی پیدا شده که محتاج تحقیق بوده...افغانها مدعی نسبت سیدجمال الدین به افغانستان وتولد او درمحلی نزدیک کابل موسوم به اسعدآباد شده اند...البته منشاء شهرت افغانی بودن سید خود او بود و اغلب غیرایرانی که او رادیده اند، ازوی اینطور(یعنی افغانی بودن اورا) روایت کرده اند. اگرچه سیدجمال الدین ظاهرا دراوایل عمرچندی درافغانستان بوده، لیکن پس ازجمیع روایات ودقت کافی، تصورمیرود که نسبت ایرانی بودنش صحیح تر باشد..." ودرصفحهٔ 237 میخوانیم که "سیدجوانی خودش رادرمیان افغانها بسربرده و آنها را خیلی دوست داشت..."
علامه قزوینی درصفحهٔ 258 این کتاب میگوید:" وچنانکه خود سیدجمال الدین نیزدرعموم نوشته جات ومولفات خود همیشه (جمال الدین افغانی) امضاء میکرد، وچنانکه تاریخ افغان ازتالیفات او موسوم به (تتمت البیان فی تاریخ الافغان) نیز قرینه ایست قوی برافغان بودن او، و قرینهٔ موید دیگر نیز آنکه دراواخرسال1323 شمسی(1363 قمری) دولت افغانستان ازدولت ترکیه درخواست نمود که جنازهٔ آن مرحوم راکه درسنه 1314 قمری دراستانبول مدفون یا امانت گذاری شده بود، اجازه دهند که بکابل انتقال داده شود – دولت ترکیه نیزجواب مساعد داد وعظام رمیم آن مرحوم را با تشریفات فوق العاده مجلل از استانبول برداشته بکابل انتقال دادند، وبعضی جراید ایران درین باب اعتراضاتی نمودند، واگرفی الواقع چنانکه بعضی ایرانیان ادعا میکنند وی ایرانی وتبعهٔ ایران بوده، اولا چطوردولت افغانستان این تقاضا را درمحضرجهانیان نموده که جنازهٔ یک ایرانی به افغانستان آورده ودفن شود؟ ثانیا چگونه دولت ترکیه این درخواست عجیب را پذیرفته وبدون اجازهٔ دولت ایران انتقال نعش سید راجازه داد؟ ثالثا چرا دولت ایران ادعا وانتقادی نکرده؟ ...این فرضیات فی الواقع باورنکردنی وخارج ازعرف وقیاس ومنطق ومخالف عادات ورسوم متعارف بین ملل ودول است وبه حکایات الف لیله ولیله شباهت دارد..." درصفحهٔ 294 این کتاب خبری دربارهٔ استقبال وحرمت از تابوت سیدجمال در بغداد ثبت شده که تا حال درمطبوعات افغان منعکس نگردیده یا من ندیده ام : "...مراسم تودیع از جنازهٔ سید درمسجد شیخ عبدالقادرگیلانی برگذار شد. استاد طه راوی، خالد هاشمی، جلال حنفی، و احمدذکی خیاط از بزرگان دانشمندان ورجال بغداد خطابه هاایراد کردند. محمد مهدی جواهری شاعر بزرگ ونامی قصیده ای بهمین مناسبت سرود که مطلع آن اینست (هویت لنصرت الحق الشهادا +++ فلو لاالموت لم تعلق الرقادا)- بعد جنازه را باهوا پیما به بصره وازآنجا بکابل بردند..." - اینقدرمعلوم است که تابوت سیدجمال مرحوم یک شب درلاهور درمقبرهٔ علامه اقبال لاهوری که از اردانمندان سیدجمال بود، گذاشته شده وازآنجا بکابل انتقال یافته بود، اما اینکه به طیاره انتقال یافته یا بموتر، این قلم نمیداند. سوالی پیدامیشود که درکابل و دیگر ولایات افغانستان جاده ای بنام (سیدجمال الدین افغانی) نام گذاری شده یاخیر؟ آقای رهین که مخدوم ایران بود یک جاده را درکابل بنام (خمینی) مسمی ساخت – ما افغانها "خودکش بیگانه پرست" استیم.
هموطنان محترم! ایرانیها در بارهٔ هویت و اصالت سیدجمال آنقدر دروغ گفته اند که تغییردادن ذهنیت هابسیارمشکل است. سعی من اینست که درمرحلهٔ اول خودما افغانها ازحقایق درین باره باخبرشویم. شما این بخش را باحوصله بخوانید، بخش سوم درظرف دو سه روز آینده با هفت صفحه تصاویر نشرخواهد شد- اگر آن تصاویر را درین بخش ضمیمه میساختم بسیارضخیم میشد. با عرض احترام.
سید خلیل الله هاشمیان - 17 فروری 2017

(ادامه دارد)

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ